

توسعه و پیشرفت انسانی از منظر اسلام

مجید مصطفائی درمیان^۱، سیدمهدی حسینی^۲، پرویز نصیرخانی^۳، جمیله شه بخش^۴

^۱ کارشناسی ارشد، اقتصاد اسلامی، دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان، واحد زاهدان

^۲ استادیار، دانشکده اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۳ استادیار، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان، واحد زاهدان

^۴ کارشناسی ارشد، علم اطلاعات و دانش شناسی

نویسنده مسئول:

مجید مصطفائی درمیان

چکیده

جایگاه توسعه انسانی در مفهوم اسلامی، جایگاه مهمی است. دیدگاه اسلام در مورد توسعه انسانی، خاص و منحصر به فرد بوده بویژه در مورد مسائل و مبانی بنیادی با دیدگاه‌های مرسوم توسعه متفاوت می باشد. محققان اسلامی معتقدند که هدف اسلام، ارتقای رفاه برای کل نوع بشر می باشد که همان فلاح و رستگاری از دیدگاه قرآن است؛ که شامل حفظ و نگهداری ایمان قلبی، خودشناسی، حفظ نسل، حفظ آیندگان، حفظ ثروت و ... است. بنابراین توسعه انسانی اسلامی باید منطبق بر اهداف و مقاصد دین مبین اسلام باشد. شاخص توسعه انسانی مرسوم که توسط UNDP منتشر می شود گرچه در نگاه اول شاخص کامل و جامعی به نظر می آید اما مناسب و سازگار برای سنجش توسعه انسانی در کشورهای اسلامی با توجه به اهداف شریعت اسلام نیست و باید از یک شاخص توسعه انسانی اسلامی ویژه در مورد این کشورها استفاده شود.

کلمات کلیدی: توسعه انسانی، توسعه انسانی اسلامی، توسعه اسلامی، شاخص HDI.

۱- مقدمه

تشکیل امت اسلامی در نتیجه انتشار سریع پیام الهی بوسیله حضرت محمد صلی... علیه و آل وسلم و بر اساس آموزه های نبوی، ابراهیمی می باشد. حقیقت اسلام بسیار فراتر از یک دین و آیین بوده و در حقیقت نشان دهنده ی راه و رسم زندگی برای تمامی پیروانش می باشد. در این تحقیق بنا بر آن داریم تا توسعه انسانی را از دیدگاه اسلام و اقتصاد اسلامی بررسی نموده و با یافتن نقاط افتراق توسعه انسانی مرسوم با توسعه انسانی اسلامی، دو سیستم اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. از آنجا که توسعه انسانی مرسوم تنها مبتنی بر رفاه مادی می باشد برای تحقق جامعه توسعه یافته اسلامی کافی نمی باشد زیرا هدف از توسعه ی انسانی اسلامی، رسیدن به رفاه مادی و معنوی در کنار هم می باشد بنابراین استفاده از شاخص HDI مرسوم به منظور سنجش سطح توسعه انسانی اسلامی مناسب نمی باشد.

از نظر اسلام، انتهای حرکت تکاملی انسان، تقرب الی... می باشد که در بسیاری از آیات قرآن کریم با تعبیر مختلفی از جمله «الی ربک المنتهی» (نجم: ۴۲)، «ان الی ربک الرجعی» (علق: ۸)، «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: ۱۶۵) بیان شده است. بنابراین مفهوم پیشرفت انسانی در اسلام دارای ویژگی های جمعی است که تمامی جنبه های اخلاقی، روحی، مادی را شامل می شود و دستیابی انسان به سعادت در دنیا و آخرت را مد نظر دارد. لذا با لحاظ نمودن جنبه اخلاقی پیشرفت و توسعه مورد نظر اسلام، تقویت عواملی مانند اخلاق، معنویت، تربیت و حیات طیبه انسانی، مورد تاکید است که این عوامل زمینه رشد معنوی و تقرب الی... (هم بصورت فردی و هم اجتماعی) را فراهم می نماید [۱].

۲- سابقه پژوهش

گرچه در اواسط دهه ی ۹۰ میلادی تلاش هایی جهت نمایاندن نقش معنویت در حیات انسانی صورت گرفت اما این موارد هم به گونه ای است که یا هنوز وارد عرصه ی مسائل اقتصادی نشده و یا اینکه معنویات تنها بدین دلیل مورد توجه قرار می گیرد که باعث افزایش انگیزه جهت کار و تلاش می شود نه اینکه از ضروریات زندگی شایسته انسانی باشد.

اما از دیدگاه اسلام، ظرفیت ها و استعدادهای آدمی تنها منحصر به امور مادی و دنیوی نمی شود در اندیشه اسلامی زندگی شایسته تنها در سایه عبادت باری تعالی تعریف می گردد و هدف از نظام اسلامی نیز خلق زمینه های مناسب جهت پرورش و اعتلای استعدادهای آدمی به منظور شناخت و عبادت خداوند می باشد.

اندیشمندان دنیای اسلام گرچه در تبیین رفتار انسان مسلمان دارای آراء و نظرات گوناگون هستند اما تمامی آن ها بر متفاوت بودن نگاه اسلام در مقابل دیدگاه غرب نسبت به انسان اتفاق نظر دارند. با مطرح شدن موضوعاتی مانند خلیفه... بودن، کرامت انسانی، امانتدار خداوند بودن در بحث انسان شناسی اسلامی، می توان شاخص های توسعه انسانی را بسیار بهتر جهت داد و این جهت دادن با محور قرار دادن عبادت بعنوان هدف خلقت انسان بسیار تشدید خواهد شد.

بعنوان مثال منذر قحف در پژوهشی، رفتار اقتصادی انسان را در نظام اسلامی مورد بررسی قرار داده و آنرا تحت اصل اعتقاد به معاد، توفیق، ثروت (با مفهوم اسلامی آنها) می داند. و بیان می دارد که در سایه این سه اصل، رفتار مصرف کننده می تواند به صورت حداکثرسازی رستگاری تعریف شود.

همچنین محمدعظیم عفر نیازهای مسلمانان را به پیروی از امام محمد غزالی به ترتیب اولویت به ۵ دسته تقسیم نموده است: ۱- لوازم حفظ دین شامل: حفظ و حراست از اعتقاد صحیح، عمل به عباداتی مانند نماز، حج، روزه، زکات و حفاظت و مراقبت از ارزش ها و احکام اسلامی ۲- لوازم حفظ نفس شامل مواردی مانند خوراک، مسکن، پوشاک و ... ۳- لوازم حفظ عقل شامل تعلیم و تربیت، تبلیغات، پژوهش های علمی. ۴- لوازم حفظ نسل مانند موارد مربوط به تشکیل و تحکیم و مراقبت از خانواده، تولید نسل سالم و ... ۵- لوازم حفظ مال که متعدد هستند و از جمله آن ها می توان موسسات و سازمان های بهره وری گوناگون مانند تامین امنیت داخلی و خارجی، سیاست های پولی و مالی مربوط به حفظ و رشد تولید اموال را ذکر نمود.

اقتصاد دانان مسلمان بصورت بسیار محدود به مبحث توسعه انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته اند و آنجا که ورود نموده اند مباحث را فراتر از تحلیل های انتزاعی و فلسفی پیگیری ننموده اند. چنانچه شهید مرتضی مطهری در کتاب انسان کامل، تنها به بیان برخی مولفه های اخلاقی مانند گرایش به خدا، کمال طلبی و ... پرداخته و فضای حاکم بر نوشته های وی همانند سایر اندیشمندان مسلمان بیشتر ناظر بر حوزه های اخلاقی و عرفانی می باشد.

خلیلیان اشکذری (۱۳۷۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان مفاهیم سازگار و ناسازگار با توسعه اقتصادی در فرهنگ اسلامی، اهتمام اسلام به علم، نگرش علمی، تفکر و تعقل در اسلام، تاکید بر کار و کوشش، اتقان در عمل، انضباط، عزت و سربلندی جامعه اسلامی را در ۵ فصل بطور جداگانه مورد بحث قرار داده است [۹].

خلیلیان اشکذری (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود تحت عنوان شناسایی برخی از شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، حیات معقول را اساس پژوهش خود قرار داده و فرضیات زیر را برمی‌شمرد: ۱. انسان محور حیات معقول است و هدف از این حیات معقول برآورده شدن خواسته‌ها و نیازهای وی می‌باشد. ۲. انسان موجودی مختار است. ۳. انسان علاوه بر نیازهای روحی به تمایلات معنوی نیاز دارد. ۴. دستیابی به حیات معقول متضمن استفاده از وحی و دستورات الهی در کنار عقل و منطق امکانپذیر می‌باشد [۱۰].

خلیلی تیرتاشی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه انسانی از دیدگاه اسلام» با منبع قرار دادن قرآن کریم، ویژگی‌های انسان از نظر اسلام را اینگونه برمی‌شمرد: هدفمند بودن، جاودانه بودن، دوبعدی بودن، علم، گرایش و کشش، آزادی و اختیار، قدرت و توانایی [۸].

مروجی سماورچی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «شاخص توسعه انسانی از دیدگاه اسلام» به بررسی توسعه از دیدگاه اسلام در سه بعد سرمایه‌های فردی، سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های معنوی پرداخته و در بیان می‌دارد که شاخص توسعه انسانی اسلامی باید بتواند با استفاده از ابزارهای کمی، در اندازه‌گیری زندگی شایسته انسان در روند توسعه ایفای نقش نماید. [۱۹]

دیالمه و برادران حقیر (۱۳۸۹) ضمن مقایسه مفهوم توسعه انسانی از منظر غرب، به تعریف دوباره این مفاهیم بر مبنای فکری اسلام می‌پردازند [۱۱].

صادقی شاهدانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «شاخص‌سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های تمدن اسلامی و بکارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران» اقدام به ارائه شاخص ترکیبی جامعی جهت سنجش توسعه انسانی بر اساس آموزه‌های اسلام نمود. توسعه انسانی مورد نظر در این پژوهش شامل ابعاد «اقتصادی-رفاهی» «اجتماعی-فرهنگی» «مذهبی-اخلاقی» «سیاسی-حکمرانی» و «علمی-آموزشی» می‌شود که این موارد پس از بسط و گسترش آموزه‌های اسلامی در حوزه حیات انسانی به دست آمده است [۱۵].

۳- عوامل سعادت‌مندی انسان از منظر قرآن

دین مبین اسلام بعنوان جامع‌ترین دین الهی، رستگاری و خوشبختی انسان‌ها را در قرآن بیان نموده و در آیات متعددی به آن پرداخته است. در قرآن ۴۰ بار از کلمه فلاح به معنی «رستگاری» سخن به میان آمده است که هر دو بعد دنیوی و اخروی رستگاری را شامل می‌شود. اما از آنجا که حیات اخروی، حیات ابدی و جاودانگی است از اهمیت بیشتری برخوردار است [۱۸].

کلمه «فلاح» از ریشه فلح به معنی شکافتن و بریدن است و در اصطلاح به هر نوع پیروزی و خوشبختی و به مقصد رسیدن اطلاق می‌شود، در واقع افراد رستگار، موانع را از سر راه خود برداشته و راه را برای رسیدن به مقاصد آماده نموده و پیش می‌برند. فلاح و رستگاری در معنای وسیعش هم کامیابی‌های مادی و هم کامیابی‌های معنوی را شامل می‌شود. رستگاری دنیوی، زندگی آزاد و سربلند در سایه ایمان و رستگاری آخرت، زندگی اخروی در جوار رحمت الهی و نعمت‌های بی‌پایان خداوند در کنار اولیای الهی در کمال عزت و منزلت می‌باشد [۲۱].

اما عواملی که انسان را به سعادت‌مندی ابدی می‌رساند عبارتند از:

۳-۱- ایمان

خداوند در آیه ۱ سوره مومنون می‌فرماید: «فَدَأْفَلِحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مومنون: ۱) در این آیه منظور از مومنان، تصدیق‌کنندگان باری تعالی و یگانگی او و تمامی پیامبران و آنچه حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده اند، می‌باشد. اما رستگاری واقعی بستگی به ایمان واقعی دارد که شرایط آن در آیات بعدی سوره ی مومنون بصورت واضح بیان شده است [۲۲].

ایمان به معنی تصدیق امر و الزام به تمامی لوازم آن می‌باشد بعنوان مثال ایمان به خدا در قرآن به معنای اذعان و تصدیق روز رستاخیز و رجعت به سوی او و همچنین تسلیم و تصدیق هر حکمی است که رسولانش آورده اند [۱۷].

ایمان به خدای متعال و پیامبر عظیم‌الشان اسلام (مومنون: ۱) و ایمان به کتب الهی قبلی (بقره: ۴) و روز موعود و آخرت (بقره: ۴؛ لقمان: ۴-۵) مایه سعادت اخروی است.

در قرآن کریم هرگاه صحبت از صفات انسان‌های مومن به میان می‌آید بلافاصله بعد از ایمان، عمل صالح ذکر می‌شود یعنی قرآن کریم، ملازمت و همراه بودن ایمان و عمل صالح را تنها عامل خوشبختی انسان می‌داند (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۶۳). در ادامه برخی از آیات نورانی قرآن را در این مورد ذکر می‌نماییم: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) هر کس از مرد یا زن کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد قطعاً

او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد و نیز «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ» (سوره نور: ۲۹) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنها پاکیزه ترین (زندگی) و سرانجام نیک است.» خداوند در سوره نور می فرماید: «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (نور: ۵۱) سخن مؤمنان ، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند ، تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند.

۳-۲- نماز

یکی از مهمترین عوامل رسیدن به رستگاری اخروی، نماز است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مومنون: ۲۱) مؤمنان رستگار شدند، کسانی که در نماز خود خضوع و خشوع دارند.» منظور از خشوع در آیات فوق همان تواضع و فروتنی و ادب جسمی و روحی می باشد که در برابر باری تعالی در انسان ظاهر گشته و آثارش در بدن انسان نمود پیدا می کند. در حقیقت کسانی که در هنگام نماز محو توجه به خداوند هستند بطوری که از هر آنچه غیر خدا است جدا می شوند چنین نمازی است که باعث خودسازی و تربیت انسان می باشد و وسیله ای برای تهذیب و تلطیف روح و جان است [۲۱].

در سوره مبارکه حج چنین آمده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (حج: ۷۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید ، و سجدود بجا آورید ، و پروردگارتان را عبادت کنید ، و کار نیک انجام دهید ، شاید رستگار شوید! در این آیه به رکوع و سجده که دو رکن مهم نمازند، توصیه شده است و در آخر آیه وعده سعادت و رستگاری داده شده است.

در سوره مؤمنون ۷ صفت برای مؤمنان رستگار ذکر شده است (مومنون: ۱-۹). که هم ابتدا و هم انتهای این صفات، در خصوص نماز می باشد. و این امر اهمیت وافر نماز را می رساند.

۳-۳- عمل خیر

انجام عمل خیر و نیکی های فراوان از عوامل دیگر سعادت ابدی انسان می باشد. «وَوَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۸) و روز محشر حقا روز سنجیدن اعمال است، پس آنان که در آن میزان حق وزین و نیکوکار بودند البته رستگار خواهند بود.» در سوره مبارکه حج آمده است: « وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (حج: ۷۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید ، و سجدود بجا آورید ، و پروردگارتان را عبادت کنید ، و کار نیک انجام دهید ، شاید رستگار شوید! فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس هر کس که اعمالش وزین باشد پس ایشان رستگاراند! (مومنون: ۱۰۲)

۳-۴- تزکیه نفس

عامل دیگری که انسان را به زندگی شایسته و سعادت مند رهنمون می کند تزکیه نفس می باشد. خداوند در سوره شمس بعد از قسم به آفریده های مهم و بزرگش (۷ مرتبه قسم) می فرماید: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ (شمس: ۹) هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده ، رستگار شده است.» در سوره مبارکه اعلی خداوند متعال می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّى» (اعلی: ۱۴) به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد) ، رستگار شد.

۳-۵- تقوا

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم بعد از آنکه صفات تقوی را بیان داشته، بشارت به رستگاری و سعادت را ارزانی داشته چنانچه در سوره مائده آمده است: قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَا يُؤْمِنُ الْكَثْرَةُ الْخَبِيثُ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: ۱۰۰) بگو: (هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هر چند فزونی ناپاک ها، تو را به شگفتی اندازد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید»

از جمله مصادیق تقوی که اهمیت آنرا بعنوان یکی از عوامل اصلی سعادت بشری می رساند شامل: بازداشتن از حرص و بخل (حشر: ۹)، پرهیز از لغویات (مومنون: ۳)، اجتناب از قمار و شراب و بت پرستی و شرک (مائده: ۹۰) رباخواری (آل عمران: ۱۳۵) و نیز حفاظت و حراست از عفت و پاکدامنی می باشد. (مومنون: ۵)

۳-۶- زکات

عامل دیگری که در سعادت‌مندی دنیا و آخرت انسان نقش مهمی دارد مسئله «زکات» است که شامل زکات شرعی، زکات فطره، صدقه، انفال مال می باشد [۱۷].

خداوند متعال در قرآن می فرماید: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى؛ (اعلی: ۱۴-۱۵) به تحقیق کسی که خود را تزکیه نمود، رستگار شد. و هر وقت نام خدا را به یاد آورد به نماز ایستاد. همچنین در سوره ی مومنون نیز اداء زکات از عوامل رستگاری برشمرده شده است. «وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» (مومنون: ۴) و آنان که زکات پرداخت می کنند. از مصادیق زکات، انفال در راه خدا می باشد. در سوره ی مبارکه روم در این باره آمده: «فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (روم: ۳۸) پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن این برای آنها که رضای خدا را می طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارند. در آیه فوق، منظور از «ذی القربی» خویشاوندان و «مسکین» کسی است که حال و روزش از فقیر هم بدتر باشد و «ابن سبیل» مسافری است که نیازمند و در راه مانده باشد. [۱۷] بنابراین حقوق این اشخاص باید اداء گردد تا انسان به فلاح و رستگاری نایل آید.

۳-۷- جهاد

در آیات متعددی از قرآن کریم بعد از بیان جهاد (اعم از مالی و جانی) وعده ی فلاح و رستگاری آمده است: در چندین آیه بعد از بیان جهاد در راه خدا یا با جان و یا با مال وعده رستگاری داده شده است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵): ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید! «لَكِنَّ الرُّسُولَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أَوْلِيَّكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه: ۸۸) ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند و همه نیکی ها برای آنهاست و آنها همان رستگارند! «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵) ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید! «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها،) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! مسئله ای که در همه دوران باید مورد توجه قرار گیرد مسئله دشمن شناسی است تا بدین وسیله بتوان نقاط ضعف و قوت دشمن را شناخته و از هر گونه چیرگی دشمن جلوگیری شود.

خداوند در آیه ۲۲ سوره مجادله می فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بَرُوحٌ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲) هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می ماند خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند آنها «حزب الله» اند بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارند.

این آیه اشاره به اصل تبری که جزء فروع دین است، دارد و بیان می دارد که دوستی همزمان با خدا و دشمنانش محال و نشدنی است [۳]

۳-۸- وفای به عهد

از جمله صفاتی که برای رستگاری مومنان در قرآن کریم ذکر شده است، وفای به عهد است «وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون: ۸) و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند». در صورتی که امانتداری در جامعه ای رواج پیدا کند بسیاری از مشکلات حل و فصل خواهد شد، خصوصاً در مورد مسئولیت هایی که به افراد واگذار می گردد، اگر تمامی افراد به این مسئله توجه داشته باشند که مسئولیتی که به آن ها واگذار می شود عهدیست که بین خود و شرکت، اداره یا نظام بسته اند، در امورشان دقیقتر شده و وظیفه شان را هم در محضر خداوند متعال و هم خلق خدا بهتر و دقیقتر انجام خواهند داد و از هر لغزش و کوتاهی اجتناب خواهد نمود.

۳-۹- استفاده از «وسيله» برای تقرب به خدا

خداوند در آیه ۳۵ سوره مائده می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵): ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید! در رابطه با «وسيله برای تقرب به خدا» با سه نکته مواجه هستیم: ۱- علم به احکام الهی؛ ۲- بندگی به درگاه باری تعالی؛ ۳- حصول مکارم و عمل به مستحبات.

وسيله در واقع نوعی توسل است که بین بنده و پروردگارش اتصال برقرار ساخته و با توجه به اینکه بین بنده و خدا هیچ ارتباطی جز عبودیت نیست. بنابراین «وسيله» دستیابی به حقیقت عبودیت و اظهار عجز و مسکنت و فقر به درگاه باری تعالی می‌باشد. [۱۷]

۳-۱۰- امر به معروف و نهی از منکر

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) یعنی و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

آنچه از این آیه بدست می‌آید این است که امر به معروف و نهی از منکر، مستقلاً به سعادت انسان می‌انجامد البته این امر شرایطی دارد که با تحقق آن شرایط امر به معروف و نهی از منکر بر فرد واجب می‌گردد [۲۱].

۳-۱۱- صبر و سفارش به آن

خداوند در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

۳-۱۲- توبه

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «... وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱) ... و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! خداوند در این آیه بعد از دستوراتی که در خصوص و حفظ آبرو و عفت می‌دهند؛ می‌فرماید: در صورت تخلف از این موارد، توبه نمایند

خداوند در این آیه بعد از تذکرات و دستوراتی که در مورد حفظ عفت و آبرو به مردان و زنان مؤمن می‌دهد؛ می‌فرماید: در هر جایی که مخالفت این احکام را نمودید توبه کنید و از مخالفت اوامر الهی به موافقت باز آید که امید رستگاری برای شما هست. و نیز در سوره قصص می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً فَغَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» (قصص: ۶۷) یعنی: اما آن کس که توبه کرده و ایمان آورده و عمل صالح به جای آورده امید است که از رستگاران باشد.

۳-۱۳- دوری از ربا و رباخواری

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید (آل عمران: ۱۳۰).

۳-۱۴- دروغ نبستن بر خدا

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» ترجمه: چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته [همتایی برای او قائل شده]، و یا آیات او را تکذیب کرده است؟! مسلماً ظالمان، رستگار نخواهند شد (انعام: ۲۲).

«فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ» ترجمه: پس چه کسی ظالم تر است از آن که دروغی بر خدا بنهد یا آیات او را تکذیب کند؟ حقا که گنهکاران رستگار نمی‌شوند. (یونس: ۱۷)

«قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ» ترجمه: بگو: «آنها که به خدا دروغ می‌بندند، (هرگز) رستگار نمی‌شوند! (یونس: ۶۹)

«وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ: إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ» ترجمه: و شما نباید از پیش خود به دروغ چیزی را حلال و چیزی را حرام گوئید و به خدا نسبت دهید تا بر خدا دروغ بندید، که آنان که بر خدا دروغ بنند هرگز روی رستگاری نخواهند دید. (نحل: ۱۱۶)

۳-۱۵- اطاعت از خدا و پیامبر (ص)

در آیه ۷۱ سوره احزاب آمده است: «يُصَلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً» ترجمه: تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامزد و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است.» (احزاب ۷۱)

«إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ترجمه: آن مؤمنانند که چون به سوی حکم خدا و رسولشان بخوانند تا (رسول به حکم خدا) میان آنها حکم کند (از دل و جان) خواهند گفت که شنیده و اطاعت می‌کنیم. و رستگاران عالم به حقیقت اینها هستند.» (نور: ۵۱)

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ترجمه: همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز میدارد اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.» (اعراف: ۱۵۷)

۳-۱۶- انفاق در راه خداوند

«فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ترجمه: پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند!» (تغابن: ۱۶)

۳-۱۷- پرهیز از سحر و جادو

«وَ أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَ لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» ترجمه: (و آنچه به دست راست داری بیانداز تا آنچه را ساخته اند ببلعد، فقط نیرنگ و جادویی است که ساخته اند و جادوگر هر جا باشد رستگار نمی‌شود.) (طه: ۶۹).

۳-۱۸- رسیدگی به فقیران و تنگدستان

«فَاتِّقُوا اللَّهَ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ترجمه: پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.» (روم: ۳۸).

۴- اهداف نهایی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام

اهداف توسعه از دیدگاه غرب در سطح کلان، رفاه مادی و در سطح خرد، آزادی مطلق است. اما اسلام نگاه خاص و ویژه ای نسبت به انسان و جامعه دارد؛ اهداف توسعه از منظر اسلام در سطح خرد، بندگی خدای متعال و ایجاد حیات طیبه، و در سطح کلان ایجاد جامعه عادلانه می‌باشد. بنابر این توسعه ی اسلامی، توسعه ای معنوی و عادلانه به منظور جداسازی نیازهای حقیقی از نیازهای کاذب می‌باشد؛ تا جامعه انسانی بتواند نیازهای حقیقی انسان ها- مادی و معنوی- را تامین سازد.

۴-۱- حیات طیبه

وجود بحران در جوامع غربی با وجود رفاه نسبی مادی در نتیجه نبود معنویات و اخلاقیات می‌باشد. زیرا این جوامع، الگوی انسانی کاملی نداشته و با حاکمیت نهادهای شیطانی بر آن‌ها، به سمت آزادی مطلق با الگوی شیطانی سوق یافته و در نتیجه تمامی وجود این جوامع را شیطان فرا گرفته است. اینجاست که اسلام برای حل این مشکل، حیات طیبه را هدف اساسی و اصلی توسعه- در سطح خرد- معرفی نموده و بیان می‌دارد این حیات با ایمان و عمل صالح قابل حصول است. قرآن کریم در مورد حیات طیبه می‌فرماید: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم. (نحل: ۹۷) همچنین در آیه ۲۹ سوره رعد نیز به حیات طیبه اشاره شده است [۱۶].

در بیان معنای حیات طیبه مفسران تعاریف گوناگونی آورده اند؛ از آن میان می‌توان به دیدگاه علامه طباطبایی اشاره نمود که ایشان حیات طیبه را حیات قرب و مشاهده می‌دانند که شرط رسیدن به آن، بندگی و اخلاص در عبادت می‌باشد [۱۳].

امام خمینی (ره) نیز هدف اصلی قرآن و فرستادگان الهی را توسعه معرفت خدا دانسته و از نظر ایشان تمامی کارهایی که انبیاء الهی انجام داده اند برای این بود که معرفت خدا را به معنای واقعی آن توسعه دهند [۲].

۴-۲- جامعه عادل

دعوت انبیای الهی همواره به دو چیز ختم می شد: ۱- بندگی خداوند ۲- مبارزه با طاغوت؛ زیرا که رسیدن به حیات طیبه بدون مبارزه با طاغوت و ستمگران میسر نبود.

کلمه «طاغوت» به معنای متجاوز و متعدی از حد و مرز می باشد و در اصطلاح به هر چیزی که وسیله ی تعدی از حد و مرز شود اطلاق می گردد در همین راستا به بت، حاکم ستمگر، شیطان، و همچنین هر مسیری که منتهی به غیر حق شود، طاغوت گفته می شود [۲۱].

اثر بخشی مبارزه با طاغوت در گرو تشکیل حکومت عدل الهی می باشد. چنانچه خداوند تعالی در آیه ۲۵ سوره حدیده می فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدیده، ۲۵) در این آیه هدف عمومی تمامی انبیاء الهی و زمامداران حکومت عدل الهی، بر پای قسط و عدالت معرفی شده است [۶].

تحقق عدالت و قسط به دو شیوه میسر خواهد بود: ۱- عمل به قسط و عدل توسط خود انسان ها در سایه آگاهی از معیار های قسط بر اساس اندرزها و آموزه های دینی؛ ۲- برپایی قسط توسط امام عادل و حکومت عادل.

روش اول کاملا آرمانی است که عمومیت ندارد و تحقق آن بدلیل موانع درونی و بیرونی هدایت و همچنین عوامل داخلی و خارجی گمراهی، بسیار مشکل و نا ممکن خواهد بود. اما در شیوه دوم، حکومت عادل بر اساس آیه بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ (حدیده: ۲۵) با استفاده از اهرم های قدرتی که در دست دارد می تواند عدالت را به بهترین وجه محقق سازد [۱۲].

۵- مبانی عقیدتی توسعه انسانی از منظر اسلام

آنچه در توسعه و پیشرفت مهم است وجود حقیقی ارزش ها و تفاهم افراد جامعه بر سر ارزش ها می باشد؛ و این تفاهم تحت تحقق موارد ذیل امکان پذیر خواهد بود: ۱- منطقی و عقلانی بودن جهان بینی و پاسخگویی آن به شبهات ذهنی افراد جامعه؛ ۲- مقبولیت و محبوبیت نظریه پردازان آن جهان بینی در بین افراد جامعه؛ ۳- وجود نهادهایی برای پایداری و تداوم آن جهان بینی بین نسل ها.

بنابراین جستجوی جهان بینی صحیح دینی (در مقابل جهان بینی خرافی) و درونی و نهادینه کردن این عقاید غنی و محکم در جوامع اسلامی امروزی امری بسیار ضروری به نظر می رسد.

بر این اساس، مبانی عقیدتی توسعه از منظر اسلام شامل: قیام برای خدا؛ تفکر؛ ایمان و عمل صالح می باشد [۵].

۵-۱- قیام برای خدا

اولین اقدام در راه توسعه اسلامی، قیام برای خداوند تعالی می باشد، اصل بنیادین مطرح شده در اینجا: قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا (سبا: ۴۶) می باشد یعنی برای خدا قیام کنید.

تضاد در محتوی و شکل، مهمترین آسیب نظام های مذهبی از ابتدا تا به امروز بوده است زیرا به شکل و ظاهر بسیار بیشتر از محتوی توجه می شود. این آسیب باعث فراموشی اهداف و تهی شدن جامعه از محتوی و در نتیجه بروز درگیری های مذهب علیه مذهب می گردد.

توسعه انسانی دینی، هنگامی محقق می شود که دغدغه ی دینداری بر دغدغه ی شریعتمداری جامعه حاکم گردد چنانچه علامه شعرانی بین دینداری که به اصول دین توجه و پایبندی بیشتری دارد و برای سعادت آخرت خود کوشش وافر دارد و بین فرد مومنی که بیشتر در عمل به احکام شریعت توجه دارد و برای سعادت آخرتش کوشش چندانی ندارد، تفاوت قائل شده و اظهار می دارد که: توجه اصلی اسلام، به جنبه ی اخروی است و توصیه می کند فقها و صاحبین منبر به هنگام تعلیم و وعظ بر این جنبه تاکید بیشتری نمایند تا اراده ی مردم بر اجتناب و دوری از گناه موکد شده و توجه بیشتری به آخرت داشته باشند [۱۴].

«دینداری»، امانتداری و صداقت را به ارمغان آورده و با بزرگ جلوه دادن گناهان اقتصادی، سبب کاهش هزینه های اجتماعی شده و بدین ترتیب افزایش کارایی را به همراه دارد. در صورتی که هدف نهایی توسعه ی انسانی، حیات طیبه باشد هیچگاه تظاهر به شرع نمی تواند موجبات خدشه به محتوای الهی نظام را فراهم آورد. پیامد این انگیزه خدایی در حوزه توسعه ی اقتصادی توجه بنیادین به هدف غایی و روح نظام اسلامی می باشد. بدین صورت حتی اگر عدالت، حق حاکمیت و قانونمندی در جامعه به

درستی اجرا شود، اما به محتوی و معنویت توجه کافی نشود، در این شرایط به محتوای چنین نظامی آسیب خواهد رسید. در ادامه به ویژگی های انسان دیندار به عنوان محور توسعه پرداخته می شود که عبارتند از: تفکر، ایمان، عمل صالح

۲-۵- تفکر

در قرآن کریم پس از قیام برای خدا عبارت: (ثم تتفکروا) به معنی «بیندیشید» آمده است. جمهور مفسران بر این نظر متفقند که این اندیشیدن «مطلق» بوده و شامل تفکر در همه امور اعم از زندگی مادی و معنوی، مسائل تربیتی و ... می باشد [۲۱]. جایگاه تفکر در قرآن تا بدانجاست که با بیان های مختلفی، آدمی را به تدبیر و اندیشیدن دعوت نموده و بی اعتنائی به آن را به شدت نکوهش نموده است (بقره: ۱۷۱). و افرادی که از تعقل گریزانند پست ترین جنبندگان معرفی شده اند (انفال: ۲۱-۲۳). بنیادی ترین گناه انسان - که باعث دوزخی شدن او شد- سرپیچی از راهنمایی ها و رهنمون عقل می باشد (ملک: ۱۰). تفکر، علم، عقلانیت، در تمامی امور سرمنشا پیشرفت های بزرگ در تمدن سازی بوده و خواهد بود و عیار ارزشگذاری در خصوص تمدن های بشری نیز عقلانیت، خصوصاً عقلانیت در عمل می باشد.

۳-۵- ایمان

یکی از مهمترین ارکان توسعه از دید اسلام برای نیل به حیات طیبه، ایمان به خدای متعال می باشد و این درحالی است که تمدن غرب میان ایمان و علم، تضادی عمیق را قائل می باشد به همین دلیل در تاریخ تمدن خویش، دو عصر ایمان و علم را در نظر گرفته اند. در تاریخ تمدن قدیم اسلام نیز ما دو عصر شکوفایی و عصر انحطاط را مشاهده می کنیم که عصر شکوفایی همان عصر ایمان و علم می باشد. اما در عصر انحطاط، ایمان و علم با هم دچار انحطاط شده اند. بنابراین برای رسیدن به تمدن جدید اسلامی می بایست بر همخوانی ایمان و علم تاکید نموده و از پذیرفتن تضاد بین علم و ایمان، آنطوری که غربی ها معتقدند، خودداری نمود [۲۰].

«ایمان» علم به وحدانیت و ربوبیت باری تعالی و عقد و پیمان قلبی داشتن نسبت به آن هاست. بنابراین ایمان ترکیبی از علم و تعهد و التزام قلبی می باشد و از دیدگاه قرآن، علمی موجبات هدایت را فراهم می آورد که توام با التزام قلبی باشد و در صورتی که علم با هوای نفس همراه باشد موجب ضلالت و گمراهی می شود [۱۶]. قابل ذکر است هرآنچه در سایه ایمان به خدا حاصل شود، دارای ارزش بالایی می باشد مواردی همچون: اطمینان و آرامش روحی، وسعت رزق و روزی، افزایش برکت و ... تمامی آن ها می تواند نشان دهنده ی توسعه و پیشرفتی باشد که بسیار بالاتر از توسعه مادی و دنیوی غرب است و می توان آنرا سعادت در دنیا تعبیر نمود.

۴-۵- عمل صالح

عمل صالح، عملی است که صلاحیت به فعلیت رساندن استعداد رسیدن به لقای پروردگار را در وجود انسان ها داشته باشد. خداوند تعالی در این باره می فرماید: « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أُحَدِّثُكُمْ » (کهف: ۱۱۰)

این آیه تنها راه رسیدن به لقاء... را عمل صالح و شرط عمل صالح را ایمان و اخلاص در عبادات می داند. همچنین در سوره بینه آیات ۶-۷ بهترین آفریدگان را کسانی می داند که به خدای متعال ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند. آیه ۷۷ سوره قصص هدف از تامین نیاز های انسان را شکوفایی استعداد «لقای پروردگار» می داند که آن هم در آخرت محقق می شود.

قدر و سهم هر انسان از این دنیا به همان مقداری است که به آن نیاز دارد و حداکثرسازی سهم فرد از دنیا، موجبات فساد را فراهم می آورد. بنابراین تامین نیازهای غیر واقعی انسان، فساد در کل جهان هستی، من جمله خود انسان ها را در پی دارد. از نظر اسلام، امکانات مادی و ثروت، زمانی خیر و برکت محسوب می شود که باعث پیشرفت و ارتقای جامعه گردد چنانچه در آیه ۳۳ سوره زخرف می خوانیم: «وَلَوْ لَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فُضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيَّهَا يَظْهَرُونَ» (زخرف: ۳۳) یعنی این ثروت ها و دارایی ها پوچ و خالی از ارزش واقعی هستند و نمی تواند ایجاد کننده ی رفاه واقعی باشد.

۶- فرآیند توسعه و پیشرفت در کشورهای اسلامی

با ظهور و گسترش اسلام، تحولات اساسی در تمامی حوزه های علوم در ممالک اسلامی بوقوع پیوست اما در سایر سرزمین ها یا اصلاً توسعه وجود نداشت و اگر هم وجود داشت چنان با روندی کند مواجه بود که قابل مقایسه با سرزمین های اسلامی نبود. [۲۳]. [۲۴]. [۳۲].

اوج اعتلای تمدن اسلامی مصادف بود با دوره ی قرون وسطی، که در این دوران کشورهای اروپائیان درگیر و دار جنگ های داخلی که نتیجه ای جز نابودی برای خودشان و تمدنشان نداشت، بودند. اما در اواخر دوران قرون وسطی این توسعه روند معکوس بخود گرفت یعنی اینبار نوبت جهان اسلام بود که گرفتار درگیری ها و جنگ های داخلی شد و در مقابل کشورهای اروپایی تلاش هایی زیادی را در جهت پیشرفت و توسعه انجام دادند. [۲۳]. [۲۴]. [۳۱].

در این دوران اکثر کشورهای اسلامی توسط حکومت های استعماری اروپایی اشغال شده و مورد تاخت و تاز و غارت آنان قرار گرفت در نتیجه این قتل و غارت ها، تمامی این پیشرفت ها و علوم اسلامی در کلیه رشته های علمی به کشورهای استعمارگر منتقل گردید و بسیاری از دانشمندان مسلمان نیز از بلاد اسلام به سایر سرزمین ها مهاجرت نمودند. می توان گفت در دوران افول (از دوران اشغال سرزمین های اسلامی تا پایان امپراطوری عثمانی) توسعه در بلاد اسلامی در تمامی زمینه ها سیر نزولی داشت تا اینکه در اواسط قرن ۲۰ میلادی رفته رفته استقلال های سیاسی به کشورهای اسلامی برگشت. [۲۵]. [۲۸].

در جهان کنونی حدود یک چهارم جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می دهند که بیشتر این جمعیت مسلمان در آسیا (خاورمیانه) و آفریقا که سرشار از ذخایر زیرزمینی می باشد، ساکن هستند. اما با وجود این ذخایر با مسائلی مانند فقر و بیکاری، بیسوادی، بی ثباتی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دست و پنجه نرم می کنند و اکثر این کشورها (کشورهای اسلامی) در سطوح متوسط و پایین توسعه قرار دارند. گزارش ها حاکی از آن است که شاخص HDI در کشورهای اسلامی در سطحی بسیار پایین تر از سرانه تولید ناخالص ملی قرار دارد، و این در شرایطی است که برخی کشورهای غیر مسلمان با درآمدی مشابه، در سطح بالاتری از توسعه قرار دارند و این امر نشاندهنده ی این واقعیت است که کشورهای اسلامی از درآمدهایشان جهت ارتقاء سطح رفاه زندگی مردم استفاده نمی کنند.

گزارش های موجود مبین این واقعیت است که موانع اصلی بر سر راه توسعه انسانی در بلاد اسلامی شامل: درآمد بالا، وجود اختلافات طبقاتی، مالکیت های زمین، گسترش فقر، وضعیت نابسامان و بحرانی زنان و عقب ماندگی های آموزشی در تمامی حوزه های علمی و فنی می باشد. در این کشورها نیروی کار، سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی، قدرت سرعت آفرینی جهت رشد اقتصادی را ندارند در نتیجه کشورهای اسلامی با مشکل سرمایه انسانی مواجه هستند. از علل اصلی عقب ماندگی کشورهای اسلامی می توان نرخ پایین کارآیی نیروی کار فقدان تحرک منابع، محدود بودن مهارت ها در تجارت و مشاغل مختلف، فقدان قوه ابتکار و نبود نهادهای هم اجتماعی مناسب ها نام برد.

اما مطالعات نشان می دهد که در کشورهای اسلامی با وجود توسعه انسانی پایین، ظرفیت ها و پتانسیل های بالقوه ی زیادی وجود دارد که می توان از آن ها در جهت بالا بردن شاخص توسعه انسانی بهره برد [۳۰].

۷- اصول اساسی توسعه انسانی از منظر اسلام

با توجه به اینکه بسیاری از رسانه های غربی وجود کاستی ها و نقص ها در حکومت های اسلامی را به اصول اسلام نسبت داده و اینگونه القاء می نمایند که این نقص ها نمایانگر وجود برخی کاستی ها در اسلام می باشد، شفاف سازی چگونگی پیاده سازی اقتصاد اسلامی در کشورهای اسلامی، ضروری بنظر می رسد [۲۶].

اما آنچه از قرآن فهمیده می شود آن است که اسلام نه تنها مانعی برای توسعه اقتصادی نمی باشد بلکه با مخالفت و مبارزه با عواملی مانند: اعتقاد صرف داشتن به تقدیر، قومیت گرایی، استثمارگری، استعمارگری، خرافات، رسم و رسوم جاهلی، تنبلی، عدم اعتماد به علم و دانش، محافظه کار بودن و ... نقش اساسی در جهت تقویت توسعه اقتصادی دارد [۲۹].

«خود شناسی» ایده ای که اسلام به مسلمان می دهد و این مهم در ایجاد نظام اقتصادی مطلوب بسیار تعیین کننده می باشد. آنچه که باعث می شود انسانی خودش را از درون ساخته و در جهت ایجاد جامعه و اهداف و روابط اجتماعی حرکت نماید؛ مسئله توجه به خودشناسی می باشد.

در اسلام برخلاف ادیان دیگر، رهنمون های اقتصادی وجود دارد که می توان از آن ها در جهت ایجاد سیستم اقتصادی موفق استفاده نمود. آنچه که نظام اقتصادی اسلامی را از سایر نظام های اقتصادی مجزا می نماید؛ متعادل بودن ساختار اقتصادی و اجتماعی در نظام اقتصادی اسلامی می باشد آن هم به نحوی که تمامی افراد جامعه (اعم از مرد و زن) بتوانند در روند توسعه و

پیشرفت سهم بسزایی داشته باشند. ملازمت توسعه انسانی با عدالت اجتماعی، عنصر بنیادین سیستم اقتصادی اسلامی می باشد بدین معنی که ارتقاء سطح زندگی در جامعه تنها با برقراری همزمان عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی برای کل جامعه و خلق فرصت های برابر برای پیشرفت و توسعه فراهم می آید [۲۷].

گرچه نظام اقتصادی اسلامی همانند نظام اقتصادی متعارف مبتنی بر بازار است اما با توجه به ایدئولوژی اسلام انتظار آن می رود که نسبت به رویکرد متعارف در سطح بالاتری از عدالت محوری قرار بگیرد. در نظام اقتصادی اسلام با تکیه بر جنبه های اخلاقی مانند اصل صداقت، بطور یقین می توان سطح بالایی از اعتماد بر بازار و تعاملات اقتصادی حاکم دانست و از این حیث نیز سیستم اسلامی در سطح بالاتری قرار دارد [۲۹].

در ادامه مطلب اصول اساسی سیستم اقتصاد اسلامی را که توسعه انسانی مطلوب از دیدگاه اسلامی می بایست بر اساس آن ها طراحی شود را ذکر می کنیم که شامل [۴]:

(۱) خالقیت و ربوبیت و مالکیت مطلق خداوند

- وسیله بودن تمامی نعمت های الهی و هدف بودن کسب رضای خداوند متعال

- جلب رضای خداوند با اجرای عدالت اقتصادی - اجتماعی

- هشدار به آخرت

(۲) خلیفه الله بودن انسان بر زمین

- تاکید بر عقل علاوه بر استفاده از وحی

(۳) الگو قرار دادن پیامبر و اولیاء دین

(۴) وجود حقیقی فرد و جمع

(۵) تاکید بر روح جمعی

- برتری دادن به منافع اجتماعی نسبت به منافع فردی

- متأثر شدن مسلمان از یکدیگر

(۶) مالکیت مختلط

(۷) ثبات مالکیت

(۸) کار اقتصادی منشأ حق

(۹) ابزار تولید خادم و انسان مخدوم

(۱۰) قاعده لاضرر و لا ضرار (برتری دفع ضرر به جلب منفعت)

(۱۱) آزادی اقتصادی در کادر محدود

- وجود هماهنگی میان دستورات و رهنمون های اسلام در خصوص فرد و جامعه و نیز جامعه و محیط زیست.

(۱۲) مداخله دولت:

- حداکثرسازی آثار بیرونی مثبت و به حداقل رسانیدن آثار بیرونی منفی مخالفت ها در چارچوب ضوابط،

- حمایت از فقرا بوسیله مداخله دولت به منظور جلوگیری از اسراف و تبذیر ثروتمندان و اخذ مالیات و صرف آن برای نیازمندان.

تمامی ویژگی های ذکر شده، در راستای تبدیل بشر مادی به بشر معنوی، که همان حرکت به سمت کمالات واقعی است، می باشد.

ویژگی های فوق در جهت زمینه سازی برای تبدیل انسان مادی به انسان معنوی یعنی حرکت به سوی کمالات ارزشی است. در مجموع می توان گفت که دلایل بسیار قوی در خصوص نقش انکارناپذیر اسلام در پیشرفت و توسعه اقتصادی وجود دارد که بسیاری از آنها توسط غربی ها نیز مورد تاکید قرار گرفته است از جمله آنها می توان به موضوعاتی مانند: به رسمیت دانستن انگیزه سود، مالکیت خصوصی، کارسخت و سخت کوشی، بیان ارتباط میان موفقیت های اقتصادی و پاداش اخروی و ابدی، اشاره نمود. گرچه اسلام مخالف رشد سریع اقتصادی نمی باشد اما در کل مخالف آن پیشرفت اقتصادی است که با بی عدالتی اقتصادی و اجتماعی همراه بوده و با رفاه عمومی در تضاد باشد [۲۹].

۸- نتیجه گیری

از آنجایی که توسعه انسانی مرسوم (غربی) تنها انسان را بر اساس بعد مادی مورد بررسی قرار می دهد، مورد پذیرش اسلام نخواهد بود. آنچه از گزارش های سازمان ملل در خصوص شاخص توسعه انسانی می توان دریافت آن است که گرایش مادی بر پژوهش های آنها حاکم بوده و تفاوت اساسی انسان با حیوانات را (معنویات) نادیده انگاشته و در تحقیقات خود به رفتارهای کم اهمیت و سطحی آدمی بسنده کرده و از اخلاقیات و معنویات بدور می باشند. توسعه انسانی روندی است که طی آن تمامی استعداد های آدمی جهت رسیدن به کمال واقعی از طریق تامین نیازهای حقیقی به فعلیت می رسند. در این راستا ضروری بنظر می رسد تا برای حل اساسی مسائل توسعه ی انسانی تمامی روش ها، مولفه ها و شاخص ها با شاخص نهایی (کمال نهایی انسان) مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. و جهت گیری هر شاخص و مولفه در جهت پرورش استعداد لقاء الله صورت گیرد.

منابع و مراجع

- ۱- اختر شهر، علی. (۱۳۸۶). اسلام و توسعه. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۸). صحیفه نور. تهران: مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ج ۲۱.
- ۳- امین، نصرت. (۱۳۶۱). تفسیر مخزن العرفان. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- ۴- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری. چاپ اول، انتشارات موسسه فرهنگی و هنری توانگران.
- ۵- جهانیان، ناصر (۱۳۹۲)، پارادایم اسلامی توسعه، فصلنامه تخصصی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال اول، شماره دوم، ص ۱۴۱ - ۱۴۴.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسرا.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه: ولایت فقاقت و عدالت. (م. محرابی، تدوین) قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸- خلیلی تیرتاشی، نصرالله. (۱۳۸۵). توسعه انسانی از دیدگاه اسلام. تهران: رسالت.
- ۹- خلیلیان اشکذری، محمد جمال. (۱۳۷۵). مفاهیم سازگار و ناسازگار با توسعه اقتصادی در فرهنگ اسلامی. رساله کارشناسی ارشد. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۰- خلیلیان اشکذری، محمد جمال. (۱۳۸۳). شناسایی برخی از شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام. رساله دکتری. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۱- دیالمه، نیکو و مریم برادران حقیر، ۱۳۹۴، مؤلفه های آموزشی منجر به توسعه انسانی بر اساس آموزه های اسلام، ماهنامه «علوم انسانی اسلامی» ۱ (۴)
- ۱۲- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۱). دین و دولت. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۳- رخشاد، محمدحسین. (بی تا). در محضر علامه طباطبایی. سایت غدیر.
- ۱۴- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۹۸ق). نشر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن مجید (جلد ۱). تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۵- صادقی شاهدانی، م. زاهدی و فاء، م. قائمی اصل م. (۱۳۹۱). شاخص سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه های تمدن اسلامی و بکارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران. نشریه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی: پاییز دوره ۲، شماره ۸، ص ۹۵ - ۱۱۴.
- ۱۶- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). میزان. انتشارات جامعه مدرسین.
- ۱۷- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳). ترجمه تفسیر میزان (جلد ۱۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۸- عبدالباقی، محمدفواد. (۱۳۸۳). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قم: نوید اسلام.
- ۱۹- مروجی سامورچی، ع. (۱۳۸۸). توسعه انسانی از منظر اسلام، رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع)
- ۲۰- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (جلد ۱). تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (جلد ۱۱). تهران: دارالکتب اسلامی.
- ۲۲- میرزا خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی (جلد ۶). تهران: چاپ اسلامی.

- 23- Arkoun, M. (1994). Rethinking Islam: Common questions, uncommon answers, today. Boulder, CO: Westview Press.
- 24- Bennabi, M. (2005). La vocation de l'Islam. ALGER: ANEP.
- 25- Lewis, B. (1993). Islam and the west. London: Oxford University Press.
- 26- Lewis, B. (2003). The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror (New York: Random House).
- 27- Mirakhor, A. & Hossein A. (2010). Islam and the Path to Human and Economic Development. Foreword by Ali Allawi, (New York: Palgrave Macmillan).
- 28- Journa; L. Esposito (Ed.) The Oxford history of Islam: Oxford Islamic studies online.
- 29- Rehman, S. & Hossein A. (2010). An Economic Islamicity Index (EI2). Journal Global Economy. Vol(10): pages 1-31.
- 30- Richard J. E. & Habib, T. (2014). Development Trends in Islamic Societies: From Collective Wishes to Concerted Actions. journal Soc Indic Res. vol(116) pages: 67-114.
- 31- Rodinson, M. (1980). La fascination de l'Islam, Paris, Maspero (Petite collection).
- 32- Shalabi, A. (1996). Tarekasalam (Islamic history and Islamic civilization) (14th ed.) Beirut: Dar Jil and Cario: Dar En-Nahda.